

فرا ترکیب مطالعات کج رفتاری‌های اجتماعی زنان: با تأکید بر نقش نیروی انتظامی

الهام عباسی^۱، حسین آقاچانی مرساء^{۲*}، علیرضا کلدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: مطالعات و مواجهه‌ی علمی در حوزه کج رفتاری‌های اجتماعی زنان ایران در سال‌های اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که تسلط بر تمام ابعاد مسئله تا حدودی امکان‌ناپذیر است. به‌عبارت‌دیگر، مطالعات انجام شده در این حوزه به‌صورت جسته و گریخته به برخی از کجروی‌ها و بعضی از علل ارتکاب آن‌ها پرداخته‌اند و مدل و الگوی جامعی در این زمینه وجود ندارد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، شناسایی کج رفتاری‌های زنان و عوامل مؤثر در بروز آن براساس پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است.

روش پژوهش: این پژوهش با استفاده از پارادایم تفسیری، رویکرد استقرایی و روش فراترکیب اجرا شده است جامعه آماری تمام پژوهش‌های داخلی در حوزه کج رفتاری‌های اجتماعی زنان است که در بازه زمانی ۹۷-۱۳۸۰ انجام شده‌اند بر اساس ملاک و معیار پژوهش صد و یازده مقاله انتخاب و با کدگذاری مجدد، سنخ‌شناسی از کج رفتاری‌های اجتماعی و عوامل مؤثر در بروز آن شناسایی شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کج رفتاری‌های زنان در چهار بعد لذت‌جویانه-تسکین‌دهنده، منفعت‌طلبانه، رهایی‌بخش و مخاطره‌آمیز-خشونت‌طلبانه صورت گرفته است. همچنین علل مؤثر در کج رفتاری عبارت‌اند از معضلات نظام اقتصادی، ساختاری-مدیریتی، مشکلات محیط اجتماعی، دگرگونی ارزش‌های اخلاقی فرهنگی، رسانه‌های اجتماعی و تجربیات فردی. همچنین پلیس نقش اساسی در کاهش و پیشگیری جرایم و کجروی زنان داشته است. کج رفتاری‌های اجتماعی و علل مؤثر بر آن از دگرگونی ساختاری در کشور خبر می‌دهد، از این‌رو، مشارکت و تعامل ارکان مختلف جامعه از جمله نیروهای انتظامی، نهادهای دولتی، خانواده‌ها و مراکز آموزشی برای پیشگیری و کنترل جرائم و کج رفتاری‌های اجتماعی زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی ضروری است.

۱. دانشجوی دوره دکتری رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران

مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، aeabbasi1355@gmail.com

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

hos.aghajani@iauctb.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران، arkaldi@yahoo.com

_ این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فراترکیب، کج رفتاری اجتماعی، ساختارگشایی، زنان

مقدمه

یکی از چالش‌های بنیادی که جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مُدرن با آن دست‌به‌گریبان‌اند، تغییر نگرش و عقاید گروه‌های اجتماعی در فضای اجتماعی است. نوسازی در تغییر نگرش به زندگی، نقش‌ها و حضور در فضای اجتماعی نقش بسزایی را ایفا نموده است. فرآیند نوسازی دارای مشخصه‌های بارزی چون شهرنشینی، صنعتی شدن، ارتباطات و حمل‌ونقل، سکولاریزاسیون^۱ و عقلانیت^۲، دموکراتیزاسیون^۳، سنت زدایی، گسترش آموزش و بهداشت مدرن، افول نظام‌های خویشاوندی گسترده و پیدایش خانواده‌ی هسته‌ای و در یک کلام نو شدن همه عناصر جامعه است (عنبری، یعقوبی، زاهدی و حسنوند، ۱۳۹۷: ۹۲). عناصر و فرآیندهای نوسازی در جامعه، ساختارهای ارزشی، گرایشی، نگرشی، ایده‌ای، تجربه‌ای و به‌طور کلی سازمان‌اندیشه و رفتار آن جامعه نیز دگرگون‌شده است (هوور^۴، ۲۰۰۹: ۴۱۰). ساختار اجتماعی در کشورهای در حال گذار در معرض تغییرات بی‌وقفه است و البته تغییرات تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص اتفاق می‌افتد. تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی پدید آمده در نظام اجتماعی ستیزه‌های اخلاقی دوگانه‌ای را در جامعه و عدم جایگزینی الگوهای رفتاری نهادینه‌شده زمینه بروز و افزایش کج رفتاری‌ها و انحرافات اجتماعی را فراهم کرده است. گسترش کج رفتاری‌های اجتماعی از جمله مشکلات عمده‌ای است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوامع در حال گذار است. در کشور ایران نیز با توجه به ارزش‌های فرهنگی، اخلاقی، دینی، ساختار اجتماعی، جمعیتی بسیار جوان و وجود مشکلات عدیده‌ی اقتصادی، کج رفتاری‌های اجتماعی به‌عنوان

-
- 1 . Secularization
 - 2 . Rationality
 3. Democratization
 - 4 . Hoover

یکی از بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی به شمار می‌آید که موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی^۱ و چالش‌های اخلاقی و اجتماعی گردیده است (حجازی و صالحی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

اساساً هر نظام اجتماعی در پی آن است که با تربیت افراد سالم و بهنجار زمینه تداوم حیات اجتماعی خود را فراهم نماید. این آرمان اجتماعی محقق نخواهد شد مگر آنکه زنان و مادران از وضعیت فردی و اجتماعی مطلوبی برخوردار باشند. در فرهنگ مردسالار ایران، زنان یک موجود ضعیف (جنس دوم) تلقی می‌شوند که باید به کارهایی مانند خانه‌داری بپردازند. زنان به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر در جوامع با عوامل و موانع متعددی چون عوامل اقتصادی، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند؛ موانعی که می‌توان آن را پایه و اساس آسیب‌های اجتماعی و مسائل اجتماعی به شمار آورد. این گروه اجتماعی بنا بر مقتضیات ظاهری توسعه و فرآیند مدرنیزاسیون^۲ به تحصیلات و متعاقب آن به اشتغال می‌اندیشند و البته مبادرت می‌ورزند و این امر موجبات بروز تناقضاتی در جامعه‌ای می‌شود که از سویی زنانش در پایگاهی فروتر از مردان قرار دارند و از سوی دیگر تحصیل کرده و فرهیخته و کارآمدند و مایل‌اند و البته محق‌اند که در فعالیت‌ها و به‌ویژه تصمیم‌گیری‌های اجتماع مشارکت نمایند. این دوگانگی نگرشی جامعه و زنان تحصیل کرده به یک چالش اساسی در جامعه تبدیل شده است به طوری که گاهی زنان برای عبور از ساختارهای فعلی دست به ساختارشکنی می‌زنند و این امر به بروز مسائل و کج‌روی‌های اجتماعی منجر می‌گردد. بنابراین، می‌توان اذعان نمود که کج‌رفتاری‌های اجتماعی تنها منحصر به مردان نمی‌باشد و زنان نیز از صدمات این معضل اجتماعی در امان نیستند که به دلیل عدم توانایی کافی برای دستیابی به انتظارات و نیازها و یا نداشتن جایگاه اجتماعی خاص گرایش روزافزون برای ارتکاب

1. Conscience Collective

2. Modernization

به جرایم به چشم می‌خورد. به‌طوری‌که آنان به امور و فعالیت‌هایی همچون تکدی‌گری، خشونت، روابط جنسی نامتعارف، اقدام به خودکشی و... روی می‌آورند که ضد ارزش محسوب می‌شوند.

قبل از دهه اخیر کجروی زنان کم یا به عبارتی پنهان بوده است و کم‌ترین توجه به هنجارشکنی زنان می‌شده است درحالی‌که میزان کجروی زنان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته است و نتایج پژوهش‌ها هم بر وضعیت کجروی‌های زنان صحنه می‌گذارد به‌طوری‌که نتایج مطالعه روسپیگری و تن‌فروشی زنان در رباط کریم نشان می‌دهد میزان بازداشت‌شده‌های سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۵). با این وجود، پرداختن به کجروی زنان نه مسئله امروز بلکه مسئله آینده کشور محسوب می‌شود. پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی با افزایش انحراف و کج رفتاری‌های اجتماعی زنان در دو دهه‌ی اخیر به بررسی کج رفتاری‌های اجتماعی و علل شکل‌گیری آن توجه نموده‌اند؛ این پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به سنجش کجروی‌های اجتماعی زنان و بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. با وجود گستردگی مطالعات در این حوزه از یک‌سو و رواج رویکردهای متعدد مذکور از سوی دیگر سبب شده است که تصویر دقیقی از انواع کج رفتاری‌های اجتماعی زنان وجود نداشته باشد؛ همچنین فاقد یک دیدگاه جامع و کاملی در مورد علل مؤثر در وقوع کج رفتاری‌های زنان به‌توجه به فرهنگ و بستر ایرانی باشد. بنابراین انجام مروری هدفمند بر پژوهش‌های علمی انجام‌شده، ارزیابی ساختار، روش‌شناسی و یافته‌های این پژوهش‌ها و نیز نحوه سنجش کج رفتاری‌ها در آنها، می‌تواند گام مؤثری برای ترسیم تصویری جامع‌تر از مطالعات صورت گرفته قلمداد شود. مطالعه حاضر درصدد است ضمن دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی مطالعات

صورت گرفته در حوزه کج رفتاری‌های زنان، به این پرسش پاسخ دهد که کج رفتاری‌های زنان به چه نحوی تعریف و موردسنجش قرار گرفته است؟

ادبیات پژوهش: پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه‌ی کج رفتاری‌های اجتماعی در خصوص زنان در ایران دارای سابقه‌ی طولانی نیست و با مراجعه به کتاب‌شناسی و مقاله‌های موضوعی می‌توان به این نکته پی برد که پژوهش‌ها در مسئله انحراف و کج رفتاری زنان چندان مورد توجه محققان نبوده است، این در حالی است که زنان امروز بیش از هر زمانی فرصت هنجارشکنی و ارتکاب جرم را پیدا کرده‌اند، زیرا بسیاری از آنان از آزادی نسبی برخوردارند و تعدادی هم شاغل‌اند و کمتر به خانواده و خانه وابستگی دارند؛ از طرفی دیگر، بسیاری از زنان مسئولیت یک زندگی را بر عهده دارند، مسئولیتی که در گذشته به‌طور سنتی بر عهده‌ی مردان بوده است. همان‌طور که اشاره شد مطالعات اندک یا پراکنده‌ای از کج رفتاری‌های زنان در دسترس هست به‌عنوان مثال در حوزه سرقت و کلاه برداری، قتل، خشونت و پر خاشگری زنان پژوهش‌های نادر و انگشت‌شماری، اما در حوزه زندگی زناشویی (خیانت، روسپیگری و...) مطالعات زیادی انجام شده است. در ادامه مطالعات قبلی در سه سطح کج روی‌های جنس، خشونت و سایر کج رفتاری‌های زنان در ایران به‌طور خلاصه تشریح می‌شوند.

در بررسی نتایج شایگان و متعمدی (۱۳۹۲)؛ قاضی نژاد و عباسیان (۱۳۹۰)؛ علل مؤثر در کج رفتاری خشونت و پر خاشگری زنان بیشتر به انسداد و فشار اجتماعی، فقدان شبکه‌های فردی و اجتماعی، میزان تقید مذهبی، نابهنجاری رفتاری دوستان، نابهنجاری رفتاری خانواده، محرومیت و طرد اجتماعی، فقدان امکانات آموزشی و شغل مناسب، حاشیه‌نشینی و... می‌توان نام برد. در حوزه کج رفتاری‌های جنسی نتایج پژوهش

سهراب زاده و دیگران (۱۳۹۶)؛ بهروزیان و حسنونند (۱۳۹۵)، آزاد و دیگران (۱۳۹۰)؛ فتحی (۱۳۸۸)؛ شیانی (۱۳۸۶)؛ کسب ثروت و درآمد بیش‌تر، نابسامانی خانواده، اعتیاد، فقر اقتصادی، سبک زندگی جدید، جامعه‌پذیری ناقص و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی، اوقات فراغت، ارزش‌های جدید، از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و تنوع‌طلبی، کسب لذت، هیجان خواهی، نداشتن تعادل عاطفی، رفتاری و احساس‌ تنهایی ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دختران و زنان در گرایش به روابط جنسی نامتعارف گزارش شده است. نتایج پژوهش، رضایی نسب و دیگران (۱۳۹۶)؛ قادری و دیگران (۱۳۹۶)؛ وجودی نیا و دیگران (۱۳۹۴)؛ کاشفی و سرآبادی (۱۳۹۳)؛ اسماعیل نیا و دیگران (۱۳۸۴)؛ در سایر حوزه‌های کج‌رفتاری مانند اعتیاد، فرار دختران، تکدی‌گری، سرقت و کلاهبرداری، خودکشی و ... نشان می‌دهد متأهل بودن، مشکلات خانوادگی، ناکامی در رسیدن به عشق، فرار از تحصیل، فقر و محرومیت عوامل مؤثر فردی، اجتماعی و اقتصادی در بروز این کج‌روی‌ها می‌باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود اکثر پژوهش‌های کج رفتاری‌های زنان ایران نشان می‌دهد که این معضلات هم در وضعیت نامناسب اقتصادی فردی وهم روان‌شناختی رخ داده است اما این ظاهر قضیه است و باید اذعان کرد که حتی علل اقتصادی، فردی و روان‌شناختی خود ریشه اجتماعی دارند و باید یک مدل اجتماعی متناسب با بستر اجتماعی طراحی شود که بر اساس آن بتوان شرایط موجود را تبیین و راه‌کارهای کاربردی ارائه نمود.

مبانی نظری

دیدگاه‌های زیادی در حوزه کج‌روی و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که مهمترین نظریه‌ها در دو دسته ساختاری-کارکردی و رهیافت فرد و کنش محور تقسیم می‌شوند که به‌طور خلاصه دیدگاه‌های اصلی بیان می‌گردد.

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

نظریه پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای^۱ خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی جرمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند. به اعتقاد آنان عوامل اجتماعی افراد را کنترل می‌کنند و وقتی که این عوامل بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند. در واقع نظریه پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر آن‌اند که جامعه با ایجاد ناهمخوانی میان اهداف مقبول و شیوه‌های در دسترس نیل به آن خود این نیازهای متعارض را ایجاد می‌کند. بدین شکل آنان معنای محدودتری از مفهوم بی‌هنجاری در نگاه دورکیم را به دست می‌دهند (سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۰).

رابرت کی مرتن^۲ (۱۹۹۸) یکی از مشهورترین رهروان این دیدگاه و پایه‌گذار این شیوه از تبیین است. دیدگاه مرتن به دنبال کشف این امر است که چگونه برخی از ساخت‌های اجتماعی بر افراد خاصی از جامعه تأثیر گذاشته و موجب شده آنان مرتکب رفتار ناسازگار با هنجارهای اجتماعی شوند. به نظر او ساخت‌های اجتماعی فعال بوده و تولیدکننده الگوهای رفتاری می‌باشند؛ بنابراین، او بر نظم اجتماعی تمرکز نموده و تأثیر ساخت‌های هنجاری را بر افراد مورد تفحص و تبیین قرار می‌دهد. در الگوی مرتن آنومی^۳ فشاری است که هنگام ستیز اهداف و هنجارهای پذیرفته جامعه با واقعیت‌های اجتماعی بر افراد وارد می‌آید. این وضعیت ارزش‌ها و اهداف مشترک را از اعضای جامعه می‌گیرد و سبب می‌شود که آنان دیگر رهنمودهای رفتاری و خطوط راهنمای اخلاقی روشنی را برای خود نیابند (سخاوت، ۱۳۸۷: ۴۳). بدین گونه در این تبیین

1 . Faithfuls

2 . Merton

3 . Anomy

کجروی نتیجه نارسایی‌های موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه قلمداد می‌شود و این وضعیت گاه به شکاف و گسیختگی میان ابزارهای قابل دسترس و اهداف مقبول اجتماعی تفسیر شده است. مرتن تأکید خود را بر موقعیت‌ها و منزلت‌های اجتماعی‌ای می‌نهد که فرد در آن‌ها استقرار دارد و یادآور می‌شود که هر جامعه نه فقط به لحاظ فرهنگی دارای هدف‌های مجاز و معینی است بلکه افزون بر آن به لحاظ اجتماعی دارای ابزارهای تأییدشده‌ای برای رسیدن به آن اهداف است. در نگاه مرتن بریدگی میان هدف‌ها و وسایل نهادی شده ممکن است به سبب وسعت یافتن شتابان هدف‌ها و محدود شدن تعریف راه‌های مشروع برای دست یافتن به این هدف‌ها به وجود آید (محمدی اصل، ۱۳۸۶: ۱۸).

نظریه فرصت افتراقی و بروز کج رفتاری‌های اجتماعی

فرصت افتراقی، دومین مفهوم بنیادی نظریه‌های ساختی کجروی است. این نظریه معتقد است که افراد متعلق به طبقه کارگر یا خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی و اقتصادی فرودست، معمولاً طالب دستیابی به موفقیت به شیوه‌های قانونی‌اند؛ اما جامعه، فرصت‌های مشروع رسیدن به هدف را از آنان دریغ می‌کند و حاصل این محدودیت، ناامیدی جدی افراد از میل به برخورداری‌های مشروع است و این وضعیت، احتمال پیدایش جرم را بسیار بیشتر می‌کند. بدین ترتیب نظریه فرصت افتراقی فرض را بر این می‌گذارد که اشخاص پرورش یافته در محلات پر جمعیت و فقزرده، اهداف مرسوم را می‌پذیرند و تصدیق می‌کنند. این نظریه تأکید می‌کند که شکل‌گیری کجروی در میان این افراد، از این تمایز نشأت می‌گیرد و در واقع، واکنشی است در برابر نوعی فشار ناشی از کشش، بین آنچه فرد می‌خواهد و آنچه امکان دسترسی بدان را دارد. جرم‌ها و کجروی‌های آنان نیز با تکیه بر همین مفهوم، نوعی دست یازیدن به شیوه‌ها و ابزارهای غیرمجاز برای دسترسی به غایت‌هایی مقبول و مرسوم قلمداد می‌شود. (فلاح، ۱۳۸۵: ۴۴).

نظریه فرا مدرنیستی

فرا مدرنیست‌ها در اوایل قرن بیستم و در فرانسه بر روی صحنه آمدند و ارزش‌های اساسی مدرنیسم هم چون: نوآوری، عقلانیت و عینیت را مورد انتقاد قرار داده و خواستار توجه بیشتر به ارزش‌های فرا مدرنیستی^۱ از قبیل احساس، الهام و ذهنیت‌گرایی شدند تا زندگی آن چنان که آنان می‌پندارند غنی‌تر و معنادارتر شود. فرا مدرنیست‌ها مدعی شدند که تحلیل گران کج رفتاری، دیدگاه خود شخص کج رفتار، قربانی و یا هر کس دیگر را نسبت به کج رفتاری و هم‌چنین شیوه‌های واکنش نشان دادن دیگران به کج رفتاری را نادیده گرفته و حذف کرده‌اند. در واقع، رویکرد اثبات‌گرایی^۲ از نظر فرا مدرنیست‌ها بیشتر تحمیل دیدگاه حرفه‌ای دانشمندان به سوژه مورد مطالعه است تا جست‌وجوی واقعیت عینی. همین موضع‌گیری، نظریه‌پردازان فرامدرنیسم را به پدیدارشناسان پیوند می‌زند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۷۶).

نظریه الگوی جرم

نظریه الگوی جرم به این امر توجه دارد که چگونه مردم و اموال در فرآیند تکوین جرم در زمان و مکان مربوط به واقعه مجرمانه قرار می‌گیرند. این نظریه ۳ مفهوم اصلی گره، گذرگاه و لبه را مطرح می‌سازد. منظور از گره، جاهایی است که مقصد یا مبدأ سفرهای شهری به شمار می‌روند. رایج‌ترین گره‌ها در زندگی روزمره مردم عبارت‌اند از: محل‌های سکونت، کار، تحصیل و یا تفریح. گذرگاه‌ها، مسیرهای بین این گره‌ها هستند؛ یعنی مسیرهایی که مردم برای رفتن از یک گره به گره دیگر در آن تردد می‌کنند؛ مانند خیابان‌ها، کوچه‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی که افراد برای رفتن به محل کار یا برگشت به منزل از آن استفاده می‌کنند. سومین مفهوم از نظریه الگوی جرم یعنی لبه، اشاره به مرزهای گره یعنی مرزهای مناطقی دارد که مردم در آن زندگی

1 . Post-modernist

2 . Positivism

می‌کنند یا به دنبال سرگرمی هستند. به موجب نظریه الگوی جرم، هر بزهکار در اطراف گره‌های فعالیت روزمره خود (خانه، مدرسه و محل سرگرمی) و گذرگاه‌های بین این گره‌ها به دنبال طعمه می‌گردد و به همین دلیل مردم بیشتر در گذرگاه‌هایی که فعالیت روزمره خود را طی می‌کنند، مورد بزه قرار می‌گیرند. بر این اساس، نظریه الگوی جرم در تبیین و تجزیه و تحلیل جرم به توزیع جغرافیایی جرم و آهنگ فعالیت روزمره زندگی توجه خاصی را معطوف می‌کند. طبق این نظریه، درصد کمی از جرائم در گره‌ها اتفاق می‌افتد؛ زیرا میزان تأمین امنیت و محافظت در گره‌ها بالاتر است. با این حال جرایمی مانند خشونت‌های خانگی، بدرفتاری علیه کودکان و سرقت از منازل بیشتر در گره‌ها به وقوع می‌پیوندد. برعکس، امکان بزه دیدگی در گذرگاه‌ها در سایر جرائم بالاتر است. به عنوان مثال، جیب‌بری، حمله، تهاجم جنسی و اخاذی و جرایمی از این قبیل در گذرگاه‌ها زیادتر اتفاق می‌افتد؛ زیرا بیرون از منزل بودن شاگردان مدارس، بسته بودن مراکز تفریحی، ازدحام مردم در وسایل حمل و نقل عمومی، تراکم پیاده‌روها و هر جریان دیگری که مردم را میان گره‌ها و در طول گذرگاه‌ها حرکت می‌دهد، فرصت را برای بزهکاران فراهم می‌کند؛ اما برخی از جرائم مانند حملات نژادپرستانه، سرقت از مغازه‌ها یا کش رفتن اجناس، بیشتر در حاشیه‌های شهر اتفاق می‌افتد؛ به این خاطر که مردم محلات مختلف که یکدیگر را نمی‌شناسند در حاشیه‌ها دورهم جمع می‌شوند. پیروان این نظریه بر این باورند که طراحی و مدیریت محله، شهر و مناطق تجاری می‌تواند تغییرات اساسی در نرخ جرائم ایجاد کند (محمدی اصل، ۱۳۸۶: ۲۹۹ - ۲۹۸).

روش‌شناسی

با توجه به اینکه کج‌رفتاری زنان در ایران حوزه جدیدی می‌باشد و شامل مطالعات کمی و کیفی با پراکندگی موضوعی وسیع و اغلب عام می‌باشند بنابراین، در این

پژوهش فراترکیب به‌عنوان یک روش مناسب برای شناسایی کج رفتاری‌های زنان و سنجش آن بر اساس مطالعات انجام شده می‌باشد (ولش و دونز^۱، ۲۰۰۵: ۲۰۶). بنابراین پژوهش حاضر براساس هدف، توسعه‌ای کاربردی، براساس ماهیت داده‌ها کیفی و براساس روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است. روش انجام پژوهش، تحلیلی-توصیفی بوده و داده‌های کیفی از روش پژوهش فراترکیب جمع‌آوری می‌شوند (بک^۲، ۲۰۰۲: ۳۵).

فرا ترکیب روش تقریباً جدیدی در حوزه تحقیقات کیفی می‌باشد که می‌تواند پاسخگو به این چالش‌ها باشد. این روش تحقیقات کیفی مجزا را با یکدیگر در یک سطح انتزاعی با فرایند ترجمه و ترکیب گردآوری می‌کند. در قیاس با فرا تحلیل، فراترکیب برای یکپارچه کردن مطالعات چندگانه به‌منظور ایجاد یافته‌های تفسیری و جامع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع فرا تحلیل مطالعات کمی را به میانگین‌ها تقلیل می‌دهد. در حالی که فراترکیب یافته‌های کیفی را از طریق ارزیابی مطالعات و ایجاد یک کل جامع و تفسیری غنی می‌سازد و اشاره به تئوری دارد که تا حدی انتزاعی است و حیطه محدودی دارد و به آسانی به فرضیات قابل سنجش منتهی می‌شود (زمیر^۳، ۲۰۰۶: ۳۱۴).

فرا ترکیب مستلزم این است که محقق یک بازنگری دقیق و عمیقی را انجام داده و یافته‌های تحقیق کیفی مرتبط را ترکیب کند. به‌واسطه بررسی یافته‌های مقاله‌های اصلی تحقیق، محققان واژه‌هایی را آشکار و ایجاد می‌کنند که نمایش جامع‌تری از پدیده تحت بررسی را نشان می‌دهد. مشابه نگرش نظام‌مند، استفاده از فرا تلفیق نتیجه‌ای را

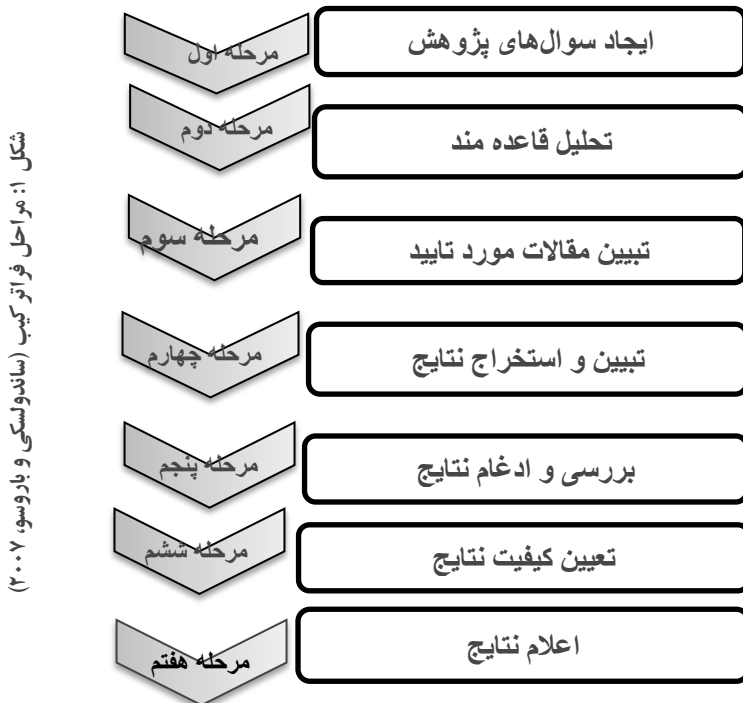
1 . Walsh & Downs

2 . Beck

3 . Zimmer

حاصل می‌کند که بزرگ‌تر از مجموع بخش‌هایش می‌باشد (چنیل و همکاران^۱، ۲۰۱۲: ۲۶۷).

یکی از بارزترین روش‌ها در این زمینه روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^۲ (۲۰۰۷) می‌باشد، هر چند این رویکرد یکی از رویکردهای بی‌شماری است که محققان می‌توانند برای فراترکیب انتخاب کنند، اما روش سندلوسکی و باروسو به محققان تصویر روشنی و دقیقی از چگونگی انجام فراترکیب ارائه می‌دهد، فراترکیب خود دانش‌افزایی بسزایی در یکپارچگی یافته‌های تحقیقات کیفی دارا بوده و به‌طور موفقیت‌آمیزی فرایند یافتن، انتخاب، ارزیابی و ترکیب نتایج تحقیقات اولیه را ارائه داده است. مهم‌ترین مراحل این روش به شرح ذیل است:



1 Chenail

2 Sandelowski and Barroso

تجزیه و تحلیل پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها یکی از قسمت‌های مهم در روش فراترکیب کیفی بوده که توضیحات لازم در خصوص چگونگی تحلیل محتوای داده‌های استخراجی در بخش روش فرا ترکیب و بخش تحلیل محتوا در قسمت ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها ارائه شده است.

مرحله یک - ایجاد سوال‌های تحقیق

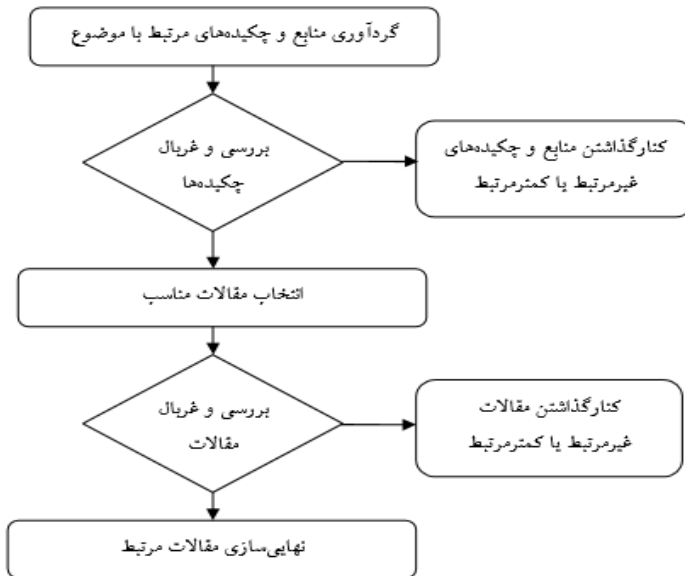
این پژوهش به شناسایی و گروه‌بندی ابعاد و علل کج رفتاری‌های اجتماعی زنان می‌پردازد. جهت رسیدن به این اهداف باید به این سوالات پاسخ داد: مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های اساسی در بروز کج رفتاری زنان کدام‌اند؟

مرحله دو - تحلیل قاعده مند منابع

در این مرحله کلمات کلیدی مرتبط مانند کج روی، بزهکاری، جرائم، ارتکاب جرم و در مرحله بعد با کلیدواژه‌های مانند خودکشی، قتل، دزدی، روابط جنسی، تکدی‌گری، خشونت و شوهر کشی و غیره در سرتاسر تحقیق تعاریف واژه‌های جستجو یا چارچوب زمانی به‌طور مستمر دوباره ارزیابی می‌گردد.

مرحله سه - تبیین مقالات مورد تأیید

در این مرحله محقق در هر بازبینی تعدادی از مقالات را رد می‌کند که این مقالات در فرآیند فرا ترکیب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و مشخص می‌کند آیا مقالات یافت شده متناسب با سؤال تحقیق می‌باشد یا خیر. به‌منظور رسیدن به این هدف، او مجموعه مطالعات منتخب را چندین بار مورد بازبینی قرار می‌دهد. مقالات مورد نظر باید دارای شش ملاک اصلی باشند. ۱- موضوع، ۲- بازه زمانی (۹۷-۱۳۸۰)، ۳- جامعه آماری (حداقل پنجاه درصد از حجم نمونه باید زنان باشند)، ۴- اهداف و پرسش‌های پژوهش، ۵- متغیرهای مورد بررسی ۶- تفسیر نتایج. در تحقیق حاضر تعداد کل مقالات نهایی که در فرایند فراترکیب به کار گرفته شد ۱۱۱ مورد می‌باشند.



شکل ۲: شمای ساده فرایند جست و جو و انتخاب مقالات نهایی مرتبط

مرحله چهار - تبیین و استخراج نتایج

با توجه به اینکه در روش فراترکیب، پژوهشگر به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی شده را، به منظور دستیابی به یافته‌های درون محتواهای مجزایی که در آن‌ها مطالعات اصلی و اولیه انجام می‌شوند، چند بار می‌خواند، در تحقیق حاضر، اطلاعات مقالات به این صورت دسته‌بندی شده است: در ستون اول مرجع مربوط به هر مقاله ثبت می‌شود (شامل نام و نام خانوادگی نویسنده)، سالی را که مقاله منتشر شده است، آورده می‌شود. در ستون بعد مؤلفه‌های کج رفتاری زنان که هر مقاله به آن‌ها اشاره کرده است ذکر می‌شود.

مرحله پنجم - بررسی و ادغام نتایج

با توجه به اینکه هدف فرا ترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از یافته‌ها می‌باشد، بدین منظور محقق موضوعات یا تم‌هایی^۱ را جستجو می‌کند که در میان مطالعات موجود در فرا ترکیب پدیدار شده‌اند. به طوری که محقق تم‌ها یا موضوعاتی را مشخص می‌کند. به محض اینکه موضوعات شناسایی و مشخص شدند، بررسی کننده یک طبقه‌بندی^۲ را شکل می‌دهد و طبقه‌بندی‌های مشابه و مربوطه را در موضوعی قرار می‌دهد که آن را به بهترین نحو توصیف می‌کند. تم‌ها اساس و پایه‌ای را برای ایجاد توضیحات و مدل‌ها، تئوری‌ها یا فرضیات کاری ارائه می‌دهند (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعات را به‌عنوان کد در نظر می‌گیریم، سپس با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌کنیم. به این ترتیب مفاهیم (تم‌ها) تحقیق را شکل می‌دهیم.

مرحله ششم - تعیین کیفیت نتایج

در روش فرا ترکیب، محقق رویه‌های زیر را برای حفظ کیفیت در مطالعه خود در نظر می‌گیرد: در این مرحله اعتبار پژوهش با توجه به اهداف پژوهش به دو صورت انجام شده است ۱- مقایسه‌ی تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع گردید تا ساختار نهایی نتایج با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد. ۲- تکنیک ممیزی: در این زمینه، چند متخصص در کار روش کیفی و کدگذاری، برای مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات، نظارت داشتند.

گام هفتم - اعلام نتایج

در این مرحله از روش فرا ترکیب، یافته‌های حاصل از شش مرحله قبل ترکیب، تجزیه و تحلیل و ارائه می‌شوند.

1 Theme

2 Subcategory

الف) یافته‌های توصیفی

۱- فراوانی مطالعات و پوشش زمانی

مطالعات صورت گرفته بین سال‌های ۹۷-۱۳۸۰ قرار دارند. طبقه‌بندی مطالعات در سه دوره زمانی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد مطالعات در حوزه کج رفتاری زنان مربوط به بازه زمانی ۹۷-۱۳۹۲ است. به طوری که در ۵/۵۹ درصد مطالعات متعلق به این بازه زمانی است. بازه زمانی ۹۱-۱۳۸۶ در مرتبه بعدی قرار دارد و در آخر، بازه زمانی ۸۵-۱۳۸۰ جای می‌گیرد.

جدول ۱: بازه زمانی پژوهش‌های مورد مطالعه

بازه زمانی	تعداد	درصد
۱۳۸۵-۱۳۸۰	۱۵	۱۳/۵
۱۳۹-۱۳۸۶	۳۰	۲۷
۱۳۹۷-۱۳۹۲	۶۶	۵۹/۵
جمع	۱۱۱	۱۰۰

۲- قالب پژوهش‌های مورد مطالعه

از میان مطالعات منتخب، بیش‌ترین درصد به مقالات پژوهشی تعلق دارد. مقالات پژوهشی ۷۹ درصد را به خود اختصاص دادند، پایان‌نامه با ۱۴ درصد در مرتبه بعدی و طرح‌های پژوهشی ۷ درصد مطالعات را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲: قالب پژوهش‌های مورد مطالعه

قالب پژوهشی	تعداد	درصد
مقاله	۸۷	۷۹
پایان‌نامه	۱۶	۱۴
طرح پژوهشی	۸	۷
جمع	۱۱۱	۱۰۰

۳- مقوله‌بندی موضوع پژوهش‌های مورد مطالعه

بر اساس مؤلفه‌های که در تحقیقات به آن‌ها پرداخته‌اند، به‌طور کلی، سه موضوع قابل توجه است: بیشتر مطالعات به بررسی ارتباط و همبستگی یک نوع کج رفتاری (قتل، خودکشی و...) با سایر متغیرها پرداخته و از این نگاه، به حوزه کج رفتاری زنان وارد شده. ۶۶/۷ درصد از مطالعات چنین خصلتی دارند. ۲۹/۷ درصد از مطالعات به بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری را در بین زنان سنجیده‌اند و ۳/۶ درصد مطالعات به بررسی علل ارتکاب جرائم زنان پرداخته‌اند و مطالعه‌ای توصیفی ارائه کرده‌اند.

جدول ۳: مقوله‌بندی موضوعی پژوهش‌های مورد مطالعه

موضوع	تعداد	درصد
عوامل مؤثر بر بزهکاری زنان	۳۳	۲۹/۷
ارتکاب جرائم زنان	۴	۳/۶
بررسی یک نوع از انواع کجروی	۷۴	۶۶/۷
جمع	۱۱۱	۱۰۰

۴- روش‌شناسی پژوهش‌های مورد مطالعه

روش تحقیق کمی با ۵۵ درصد (پیمایش ۵۱/۴ درصد و فرا تحلیل ۳/۶ درصد) بیش‌ترین درصد را در مطالعات به خود اختصاص داده است. روش کیفی ۴۲/۳ درصد (روش نظریه زمینه‌ای ۳۱/۵ درصد، پدیدارشناختی ۹/۹ درصد و تحلیل روایت ۰/۹ درصد) و ۲/۷ درصد از مطالعات با روش ترکیبی انجام شده‌اند.

جدول ۴: روش‌شناسی پژوهش‌های مورد مطالعه

درصد		تعداد	روش‌شناسی	
۵۵	۵۱/۴	۵۷	پیمایش	کمی
	۳/۶	۴	فرا تحلیل	
۴۲/۳	۳۱/۵	۳۵	زمینه‌ای	کیفی
	۹/۹	۱۱	پدیدارشناختی	
	۰/۹	۱	تحلیل روایت	
۲/۷		۳	ترکیبی	
۱۰۰		۱۱۱	جمع	

۵- حوزه مطالعاتی پژوهش‌های مورد مطالعه

اکثر پژوهش‌ها در حوزه مطالعاتی علوم اجتماعی صورت گرفته است به طوری که ۶۸/۵ درصد از مطالعات را به خود اختصاص داده است. علوم روانشناختی با ۱۵/۳ درصد و حقوق با ۱۰/۸ درصد در مرتبه بعدی قرار گرفته‌اند و سایر حوزه‌های مطالعاتی در آخر جای گرفته است.

جدول ۵: حوزه مطالعات پژوهش‌های مورد مطالعه

درصد	تعداد	موضوع
۶۸/۵	۷۶	علوم اجتماعی
۱۵/۳	۱۷	روان‌شناسی
۱۰/۸	۱۲	حقوق
۵/۴	۶	سایر
۱۰۰	۱۱۱	جمع

۶- متغیرهای اصلی (وابسته) پژوهش‌های مورد مطالعه

رایج‌ترین متغیر مورد بررسی خودکشی بوده است؛ به طوری که خودکشی با ۲۷ درصد بیشترین سهم را در مطالعات به خود اختصاص داده است. روابط نامتعارف جنسی، خود

فروشی با ۲۰/۷ درصد، فرار از خانه با ۱۵/۳ درصد، اعتیاد و مصرف مواد با ۱۳/۵ درصد، قتل و شوهرکشی ۹ درصد در مرتبه‌های مهم بعدی قرار دارند .

جدول ۶: متغیرهای وابسته پژوهش‌های مورد مطالعه

موضوع	تعداد	درصد
رابطه جنسی، فحشاء	۲۳	۲۰/۷
اقدام به خودکشی	۳۰	۲۷
فرار از خانه	۱۷	۱۵/۳
قتل، شوهرکشی، خشونت	۱۰	۹
تکدی‌گری	۳	۲/۷
اعتیاد، مصرف مواد	۱۵	۱۳/۵
سایر کج رفتاری‌های اجتماعی	۱۳	۱۱/۸
جمع	۱۱۱	۱۰۰

۷- نوع پیشگیری از جرائم و انحرافات اجتماعی

اکثر پژوهش‌ها که پیشگیری و کنترل جرائم و کج رفتاری‌ها پرداخته‌اند نقش نیروی‌های انتظامی در شناسایی کج رفتاری‌های اجتماعی را مؤثر می‌دانند؛ به طوری که ۴۲/۵ درصد از مطالعات را به این حوزه مرتبط است. آموزش رسمی و غیررسمی با ۲۵/۲۵ درصد و خانواده با ۱۹/۲ درصد در مرتبه بعدی قرار گرفته‌اند و سایر راهکارهای پیشگیری در آخر جای گرفته است.

جدول ۷: حوزه مطالعات پژوهش‌های مورد مطالعه

پیشگیری	تعداد	درصد
نیروی انتظامی	۲۰	۴۲/۵
خانواده	۹	۱۹/۲
آموزش رسمی و غیررسمی	۱۲	۲۵/۵
سایر	۶	۱۲/۸
جمع	۴۷	۱۰۰

ب) یافته‌های تحلیلی

در این بخش از پژوهش، یافته‌های تحلیلی در دو بخش سنخ‌شناسی کج رفتاری‌های اجتماعی زنان و علل شکل‌گیری این پدیده‌ها تشریح می‌شوند.

۱- سنخ‌شناسی الگوهای کج رفتاری‌های زنان

مطالعات کج رفتاری زنان نشان می‌دهد با وجود هم‌پوشانی بعضی از مقولات در چند دسته تقسیم شده است: ۱- کج رفتاری لذت‌جویانه-تسکین‌دهنده، ۲- کج رفتاری رفاه‌طلبانه، ۳- کج رفتاری مخاطره‌آمیز و خشونت‌طلبانه ۴- کج رفتاری رهایی‌بخش.

جدول ۸: سنخ‌شناسی الگوهای کج رفتاری‌های اجتماعی زنان

مفاهیم	مقوله	هسته مرکزی
اعتیاد، روابط جنسی پیش از ازدواج، روابط فرا زناشویی	کجروی‌های لذت‌جویانه و تسکین‌دهنده	کج رفتاری‌های اجتماعی زنان به‌مثابه ساختارگشایی اجتماعی
دزدی، گدایی، خودفروشی، کلاهبرداری	کجروی‌های رفاه‌طلبانه (منفعت‌طلبانه)	
خودکشی، قتل، شوهرکشی، نزاع و درگیری، کودک‌آزاری، پرخاشگری، خودزنی	کجروی‌های مخاطره‌آمیز و خشونت‌طلبانه	
فرار از خانه، طلاق، سقط‌جنین و...	کجروی‌های رهایی‌بخش	

تغییرات اجتماعی با سرعت زیادی در حال رخ دادن است و بدون شک زنان و دختران از این تحولات و تغییرات مصون نیستند و به‌طوری‌که این تغییرات نگرشی زمینه‌ساز کجروی و انحراف را فراهم می‌کنند؛ کج رفتاری‌های زنان ایران به‌سوی منفعت‌فردی و خودخواهانه در حال حرکت است، می‌توان گفت کج‌روی‌ها بیشتر در پی کسب لذت و رفاه بیش‌تر صورت می‌گیرد. نسل جدید و جوان در پی لذت و هیجان‌طلبی هستند؛ از این رو، کج رفتاری‌های **لذت‌جویانه-تسکین‌دهنده** از مهمترین رفتارهای نابهنجار اجتماعی است. کج رفتاری لذت‌جویانه به‌طور چشمگیری افزایش داشته است

به گونه‌ای که بیش از چهل درصد از مطالعات در زمینه روابط جنسی نامتعارف و سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی صورت گرفته است. زنان جوان برای آرامش و سرگرمی و حفظ تعاملات دیگر کجروی مهم کجروی‌های رهایی بخش است فرد برای رها شدن از مشکلات و معضلات اجتماعی دست به انتخاب گزینه نهایی می‌زند که از فشار اجتماعی و شرایط موجود خارج شود؛ خودکشی، طلاق، فرار از خانه، سقط جنین از ابعاد اصلی کجروی رهایی بخش‌اند. دیگر بعد سنخ‌شناسی کج رفتاری‌های زنان، کجروی رفاه طلبانه (منفعت طلبی) است. یکی از ارزش‌های مهم در عصر جدید مصرف گرایی و تجمل گرایی است و مصرف بیشتر به یک سبک زندگی مهم تبدیل شده است، اما اکثر افراد جامعه به ویژه زنان توانایی دستیابی به نیازها و انتظارات را ندارند و احساس حقارت و ناتوانی می‌کنند و برای رسیدن به مزایایی اجتماعی یا برآوردن نیازها و خواسته‌ها به رفتارهای ضد ارزش مانند روسپیگری، خودفروشی، سرقت و کلاه برداری و... روی می‌آورند. آخرین بعد کجروی زنان رفتار مخاطره آمیز و خشونت طلبانه است، از بدترین آسیب‌های اجتماعی، کنشی است که برای فرد یا جامعه خطر آفرین باشد. نابهنجاری مخاطره آمیز صدمات و لطمات بی‌شماری را بر جامعه تحمیل می‌کند که تبعات آن غیرقابل کتمان است، کج رفتاری مخاطره آمیز و خشونت طلبی در دو بعد فردی و دیگران (دیگری) صورت می‌گیرد؛ بعد فردی شامل خودکشی، خودزنی بعد دیگری شامل قتل، شوهرکشی، خشونت و پرخاشگری، نزاع و درگیری، کودک آزاری و... است.

۲- سبب‌شناسی کج رفتاری‌های اجتماعی زنان

از آنجاکه کج رفتاری‌ها در نظم جامعه اختلال ایجاد می‌کند شناسایی علل بروز کج رفتاری‌های اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است. تاکنون یک مطالعه نظام‌مندی مشاهده نشده است که یک الگوی تبیینی برای جوانب موضوع پرداخته باشد و هریک از پژوهش‌های گذشته یک بعد از کجروی‌ها و یک سری از علل را مورد توجه قرار

داده‌اند. لذا، در این پژوهش از طریق کدگذاری یافته‌ها و نتایج پژوهش مقوله‌های اولیه و با ترکیب آن‌ها مقوله‌های اصلی و نهایی ساخته و پرداخته می‌گردد.

جدول ۹: شناسایی الگوهای اصلی در بروز کج رفتاری‌های اجتماعی زنان

مضامین فراگیر	مضامین سازنده	مضامین پایه
اقدامات رسانه‌ای	رسانه و ارتباطات جمعی	رسانه‌ها، فیلم و سریال خارجی، شبکه‌های اجتماعی در دسترس و...
معضلات ساختاری-مدیریتی	نظارت و مدیریت ناکافی	تضاد طبقاتی، عدم حمایت دولتی، عدم نظارت، کنترل اجتماعی، آموزش ناکافی (جامعه‌پذیری ناقص) و...
مشکلات نظام اقتصادی	فقر اقتصادی	شغل، درآمد محل زندگی، حاشیه‌نشینی، نابرابری، بیکاری، رفاه‌طلبی، محله ناامن، محرومیت، رسیدن به اهداف و غیره
	نابسامانی اقتصادی (اقتصاد نامتوازن)	نابرابری اقتصادی، بیکاری، عدم شغل و کار، درآمد نابرابر و...
تجربیات شخصی	تجربه‌های بین فردی	احساس ترس، خشونت، اعتماد فردی، احساس تنهایی، فقدان شناخت از دیگران و...
	تجربیات درونی	لذت‌جویی، ضعف اراده، هیجان خواهی، کسب تجربه و...
	هم‌بستگی درون و بیرونی گروهی	انسجام، پیوندهای خانوادگی، همبستگی، اعتماد به دیگران، اعتماد به نهاد و سازمان‌های دولتی و...
مشکلات اجتماعی و محیطی	سرمایه فرهنگی (فقر فرهنگی)	آگاهی، میزان تحصیلات، دسترسی به امکانات آموزشی و...
	بستر و محیط نامناسب	محیط نا امن، عوامل محیطی، همسایه‌های خلاف کار (مجرم)
تنش در زندگی خانوادگی	خانواده نابسامان و ناکارآمد	از هم گسیختگی خانوادگی، ستیز و درگیری والدین، بزهکار بودن اعضای خانواده، عدم حمایت از سوی خانواده و...
	تبعیت و همراهی از همسر مجرم	شوهر معتاد، مجرم و خشونت‌طلب، همراه و همگام در رفتارهای انحرافی و...
	آزار و خشونت نهادینه	آزار و اذیت، ترس، تجاوز، تجربه خشونت، تداوم خشونت و...
سبک زندگی مخاطره‌آمیز	رفتار مخاطره‌آمیز	دوستان و همسالان نا باب، بی‌مبالاتی در زندگی، توجیه رفتار و اعمال و...

اوقات فراغت نامناسب، طول زندگی بی‌ثمر، عدم آینده‌گری و...	عدم برنامه‌ریزی	
گرایش‌ها نگرش، تقید دینی، ارزش‌های اخلاقی، جابه‌جایی اهداف، کاهش شرمساری، شیوع فساد فرهنگ و...	ضعف مذهبی و اخلاقی	بازاندیشی نگرشی و اعتقادی فرهنگی

بررسی یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد کج رفتاری‌های زنان دارای دلالتی همچون مشکلات اقتصادی، ساختاری مدیریتی، مشکلات اجتماعی محیطی، مشکلات فرهنگی، تجربیات فردی و رسانه‌های ارتباط جمعی است. در **سطح فردی** زنان دارای تجربه‌های درونی مانند، ضعف اراده، عدم اعتمادبه‌نفس، لذت‌جویی و هیجان‌طلبی هستند و این عوامل درونی و روانی زمینه‌کنجروی را مهیا می‌کنند؛ از طرفی تجربه‌های شخصی فرد در محیط و با دیگران سبب‌ساز مشکلاتی مانند تنهایی، احساس ترس، تجربه خشونت و... می‌شود که این تجربیات بیرونی فرد با حالاتی از بی‌اعتمادی بین فردی بروز می‌کند. در **حیطه محیط اجتماعی**، فرد کج رفتار با عوامل عديده‌ای مواجه است. ۱- تنش در زندگی خانوادگی: خانواده نابسامان و ناکارآمد فشار خاصی بر اعضای خانواده وارد می‌کند و فرد در تنگناهای خانوادگی مجبور به پیروی از یکی از دوگانگی‌های ذهنی‌اش می‌باشد که یا باید از هنجارهای نامناسب خانواده پیروی کند و یا برای رهایی و فرار از موقعیت خانوادگی به رفتارهای ضد ارزش اجتماعی رجوع کند. ۲- مشکلات اجتماعی و محیط: بستر و محیط محل زندگی یک متغیر نهایی در اجتماعی شدن مناسب/ نامناسب است. زمانی که افراد در محله‌های ناامن، حاشیه‌نشین و فقیر زندگی می‌کنند، خواه‌ناخواه از فقر فرهنگی، فقدان حمایت و سرمایه‌ای اجتماعی برخوردارند. در این حالت، فرد از آگاهی و دانش کافی برای زندگی بهنجار برخوردار نبوده و برای رسیدن به خواسته‌ها و نیازها راهی جز دور زدن هنجاری اجتماعی موردقبول جامعه برای خود متصور نیست؛ ۳- سبک زندگی مخاطره‌آمیز: نوع جهان‌بینی فرد، سبب ایجاد نوع خاصی از زندگی در افراد می‌شود. این نگرش باعث

یک فلسفه خاص زندگی می‌شود. بدون شک بعضی از انواع زندگی تمایل و گرایش بیشتری به رفتارهای انحرافی دارند. از این نوع زندگی به‌عنوان سبک زندگی مخاطره‌آمیز نام می‌برند هرگاه فرد نشست و برخاست‌هایی با افراد بزهکار داشته باشد یا اوقات فراغت خود را با کارهای خطرناک سپری می‌کند راحت‌تر از دیگران به سمت کج رفتاری‌های اجتماعی سوق پیدا می‌کند.

تغییر نگرش و باورها: با افزایش آگاهی و تحصیلات اجتماعی، رسانه‌ها و ارتباطات اجتماعی و شهرنشینی به تغییر عقاید و باورها منجر شده‌اند. جامعه کنونی با بحران اخلاقی مواجه شده است به گونه‌ای که اهداف و ارزش‌های اجتماعی مانند درست زندگی کردن، تعهد به فرد و جامعه جای خود را به منفعت فردی و فردگرایی خودخواهانه داده است و مسئولیت در قبال جامعه کم‌رنگ شده است. از این رو شرم و حیا تضعیف شده و فرد از انجام رفتارهای انحرافی ابایی ندارد. **معضلات ساختاری و مدیریتی:** کج رفتاری‌های اجتماعی نه تنها یک معضل اجتماعی است بلکه یک معضل ساختاری مدیریتی است. زمانی کیفیت زندگی افراد یک جامعه نابسامان است و برنامه‌های جامع حمایتی و مداخله‌ای برای اقشار کم‌بینه وجود ندارد و سیاست‌ها همسو با ارزش‌های اجتماعی آحاد جامعه نیست، جامعه از فقدان سیاست‌گذاری اجتماعی راهبردی رنج می‌برد؛ عواقب مداخله اجتماعی نامناسب منجر به مسائل اجتماعی گسترده می‌شود. **مشکلات نظام اقتصادی:** فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علل گرایش به کج رفتاری‌های اجتماعی در بین افراد جامعه است. مشکلات اقتصادی در دو بعد نمود پیدا می‌کند ۱- فقر و مشکلات اقتصادی، ۲- اقتصاد نامتوازن که نابرابری‌های اقتصادی در مناطق مختلف است که این معضل به مرور زمان منجر به شکاف و تضاد طبقاتی می‌شود. در این حالت افراد کم‌بضاعت در پی کاهش فاصله طبقاتی موجود هستند که به دلیل عدم دسترسی به ابزار و وسایل مناسب به رفتارهای

نابهنجار برای جبران فقر و ایجاد رفاه حداقلی دست می‌زنند. **اقدامات رسانه‌ای:** فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی یک قدرت در عرصه‌ی عمومی محسوب می‌شوند که تغییرات شگرفی در نگرش و باورهای افراد ایجاد نموده است؛ رسانه‌ها و فضای مجازی با تبلیغ سبک‌های زندگی نوین زمینه بروز رفتارهای جدید در بین اقشار مختلف جامعه از جمله زنان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کج رفتاری‌های زنان از مباحثی است که در یک دهه اخیر در محافل علمی مورد توجه و اقبال بوده است و پژوهش‌های نسبتاً زیادی در این زمینه صورت گرفته است؛ اما به‌رغم وجود منابع و تولید منابع علمی متنوع در رابطه با کج رفتاری‌های اجتماعی زنان و با وجود اهمیت کج‌روی‌های اجتماعی در کشور، کم‌تر تلاش سازمان‌یافته‌ای برای مطالعه آن صورت گرفته است تا با یک رویکرد بومی و جامع به موضوع نگاه کند. این غفلت بیش‌تر از لحاظ روش‌شناختی و نظری از سوی پژوهشگران علوم انسانی و علوم اجتماعی قابل مشاهده است. همان‌طور که اشاره شد در ک دقیق و روشنی از کج رفتاری‌های زنان در ابعاد و سنجش آن از جانب پژوهشگران این حوزه دیده نمی‌شود. با توجه به چنین مباحثی، پژوهش حاضر از طریق فراترکیب به مرور مطالعات پیشین و تجزیه و تحلیل یافته‌ها و تحلیل حاصله از آنان پرداخته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که:

- اکثر مطالعات در حوزه کج رفتاری‌های اجتماعی زنان در شش (۱۳۹۲-۹۷)، سال اخیر صورت گرفته است، روش کمی پیمایش روش غالب بوده است اما با نگاهی اجمالی به بازه زمانی مشخص می‌شود روش غالب در چند سال اخیر روش کیفی و ترکیبی است؛ اما از لحاظ محتوا و کیفیت تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین دو روش‌شناسی کمی و کیفی مشاهده نگردید.

- پژوهش کج رفتاری‌های اجتماعی از لحاظ سنجش موضوعی در طول زمان به دو دسته تقسیم می‌شوند، پژوهشگران ابتدا به بررسی کج رفتاری‌های اجتماعی مانند خشونت و قتل، خودکشی، روسپیگری، طلاق که کج رفتاری‌های اجتماعی آشکار و هویدا که سابقه طولانی دارند پرداخته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر دغدغه اصلی پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی کج رفتاری‌های اجتماعی نامتعارف است که بیشتر به صورت پنهانی انجام می‌گیرد مانند روابط جنسی پیش از ازدواج، خود زنی، فرار از خانه، خیانت به همسر و ... می‌پردازند.

- از دیگر یافته‌های پژوهش بر ارائه راه کارها یا روش‌های مقابله با جرائم است که اکثر پژوهش‌ها نقش نهاد و نیروهای انتظامی در کاهش و پیشگیری جرائم بسیار با اهمیت قلمداد می‌کنند. بدون شک تعامل و مشارکت ارگان‌های رسمی مانند نیروهای انتظامی، قوه قضاییه و نهادهای غیر رسمی مانند خانواده و انجمن‌های مردم نهاد در کنترل و کاهش آسیب‌ها و کج رفتاری‌های اجتماعی مؤثر است.

- نتایج یافته‌های تحلیلی فراترکیب نیز نشان می‌دهد جامعه دگرگون شده است و ساختار اجتماعی در حال انعطاف و تغییرات اساسی است. به‌طور کلی، ساختار گشایی را نباید با ساختار شکنی یکی دانست ساختار گشایی با حفظ اصول و چارچوب ساختار کلی با توجه به اقتضائات موجود شروع به تغییر و انعطاف‌پذیری با ارزش‌ها و باورهای موجود می‌کند؛ اما ساختار شکنی با فروپاشی ساختار موجود یک ساختار جدید با قاعده و قوانین جدید جایگزین خواهد شد. با بررسی مطالعات مشخص شد که ساختار اجتماعی در حال تغییر است و با میزان تغییرات اجتماعی میزان کج رفتاری‌های اجتماعی تغییر می‌کنند. به‌طور کلی چهار کج رفتاری اجتماعی شناسایی شد: ۱- کج رفتاری‌های مخاطره‌آمیز، ۲- کج رفتاری‌های منفعت طلبانه (رفاه‌طلبی)، ۳- کج رفتاری‌های رهایی بخش و ۴- کج رفتاری‌های لذت جویانه و تسکین‌دهنده. انواع

کج رفتاری‌های اجتماعی با وضعیت کلان و ساختاری کشور هم‌جهت هستند؛ زمانی که هنوز ساختار اجتماعی از قدرت کافی برخوردار است نوع کج رفتاری‌ها از نوع مخاطره‌آمیز و خشونت‌طلبانه است؛ زیرا فرد راهی جز مقابله نهایی ندارد در این حالت فرد به خودکشی، قتل، شوهرکشی و... روی می‌آورند. نوع دیگری که در زمان ساختار اجتماعی سنتی در حال تغییر رخ می‌دهد کج رفتاری‌های منفعت‌طلبانه است فرد کج‌رو در این وضعیت برای رسیدن به اهداف دست به رفتارهای ناسالم می‌زند. درست زمانی که بنیان و اصول اجتماعی در حال تغییر و دگرگونی اساسی است نوع کج رفتاری‌های اجتماعی هم تغییر شکل می‌دهند به طوری که میزان کج رفتاری‌هایی مانند خشونت قتل و خودکشی کم‌تر شده و بر میزان کج رفتاری‌های لذت‌جویانه و رهایی‌بخش افزوده می‌شود. از این رو، جامعه امروز درگیر کج رفتاری‌هایی مثل طلاق توافقی، روابط جنسی، خیانت، فرار از خانه و... است که نشان می‌دهد کج رفتاری‌های اجتماعی یک نوع مقابله با ساختارهای سنتی و شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی در آینده نزدیک است.

سنخ‌شناسی کج‌روی‌های زنان نشان از تحول در طی زمان است و این دگرگونی ناشی از یک سری علت‌های اجتماعی است. از این رو شناسایی زمینه‌های بروز کج رفتاری‌های اجتماعی امری حیاتی است. بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش حاضر علت کج رفتاری‌های اجتماعی در شش سطح ساختاری-مدیریتی، نظام اقتصادی، مشکلات محیط اجتماعی، مشکلات فرهنگی، رسانه و ارتباط جمعی و تجربه‌های شخصی دسته‌بندی کرد؛ در سطح ساختاری و مدیریتی می‌توان اذعان کرد که مسئولان اجتماعی سه وظیفه اساسی در قبال اعضای جامعه دارند که عبارت‌اند از: آگاه‌سازی، مداخله و توانمندسازی. برنامه‌ریزان اجتماعی باید به اقشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله دختران و زنان، مسائل و خطرات موجود در جامعه را آموزش دهند و در مرحله بعد و

در صورت بروز آسیب‌های اجتماعی به مداخله اجتماعی پردازند و سپس توانمندسازی افراد آسیب‌پذیر را انجام دهند، اما این وظایف به صورت کامل اجرا نشده یا در همان مرحله اول به طور ناقص متوقف می‌شوند از این رو بسیاری از کج‌رفتاری‌های اجتماعی ناشی از عدم مدیریت برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی کشور است. مشکلات مدیریتی نه تنها به صورت مستقیم بلکه به طور غیرمستقیم هم در بروز مسائل اجتماعی ایفای نقش می‌کند. معضلات نظام اقتصادی جامعه از دیگر علل مهم در بروز کج‌رفتاری‌های اجتماعی است. معضلات ساختاری منجر به نابرابری اقتصادی و گسترش فقر در بین اعضای جامعه می‌شود به طوری که افراد خود را در تنگناهای اقتصادی گرفتار می‌بینند و از طرفی یک سری نیازها و مایحتاج اساسی دارند که عاجز از رفع آنان هستند؛ از این رو، خواسته‌ها و آمال فرد را به راه‌های انحرافی می‌کشاند. ساختار زندگی اجتماعی بر نگرش و ارزش‌های فرد اثر می‌گذارد و می‌تواند شرایط و زمینه‌هایی را به وجود آورد که جریان زندگی فرد را از حالت متعارف خارج کند. کج‌رفتاری اجتماعی زنان رفتاری برای مقابله با مشکلات محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه است. فرد در خانواده‌ای نابسامان، محله ناامن و با انتخاب سبک زندگی پرخطر رفتار نابهنجار برای او اجتناب‌ناپذیر است. از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار رسانه‌های اجتماعی است. تا زمانی که ناهنجاری در نظر کنشگران اجتماعی، امری زشت و غیرمنطقی جلوه کند، میزان ارتکاب کج‌رفتاری اجتماعی و خروج از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. انعکاس کج‌روی‌های اجتماعی در رسانه‌ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد، زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه‌ها، درمی‌یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیرقابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند، لذا انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می‌شود و این بیان کج‌روی‌ها و انحرافات اجتماعی در رسانه‌ها است.

رسانه‌ها حتی زمینه دگرگونی ارزش‌ها و باورهای فرهنگی را تقویت می‌کنند. اهداف ارزشی جابه‌جا می‌شود، ارزش اخلاقی در جامعه دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شوند و کج رفتاری‌ها ارزش اجتماعی پیدا می‌کنند در آخر ویژگی‌های فردی و روان شناختی افراد در جامعه سبب بروز کج رفتاری‌های اجتماعی می‌شود.

پیشنهادی کاربردی

بر اساس هدف پژوهش مبنی بر ارائه راه کارهای کاربردی در جهت کاهش کج رفتاری‌های اجتماعی در ایران، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- تعامل و همکاری پلیس، مدیران آموزشی و خانواده‌ها با برگزاری سمینارهای تخصصی و جلسات توجیهی به منظور آموزش فنون و مهارت‌های زندگی در عصر جدید (دوران گذار)، به دختران و زنان، هم به صورت فردی و هم به طور گروهی در زمینه آسیب‌ها و تهدیدهای نو ظهور در مسیر در عرصه‌های اجتماعی دختران و زنان و آموزش شیوه‌های پیشگیری؛

- تعامل و همکاری پلیس با رسانه‌ها در ایجاد برنامه‌های تبلیغی مشترک باهدف پیشگیری از جرائم و کج رفتاری‌های اجتماعی زنان،

- توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میان مناطق و اقشار مختلف در شهرهای کم بضاعت و روستاهای دور افتاده.

- با توجه به پایین بودن سطح درآمد، سواد و نرخ بیکاری در جامعه توصیه می‌گردد: بخش خصوصی از طریق توانمندسازی تقویت گردد و برنامه‌های دولت در جهت ارتقاء سطح معیشت و درآمد افراد خصوصاً از طریق اشتغال و کارآفرینی ساماندهی و برنامه‌ریزی شود.

- ارائه الگوهای مرجع و سبک‌های زندگی سالم و گسترش فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی، ساده زیستی،

- ارج نهادن به کار و تلاش، اصلاح و ارتقای بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها به منظور افزایش فرهنگ قانون مداری

- آگاه‌سازی با آموزش و تبلیغ از طریق رسانه و صداوسیما با ساختن فیلم‌ها و تیزرهای تبلیغاتی و روشن نمودن مضرات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی کج رفتاری‌های اجتماعی؛

تقدیر و سپاسگزاری

پژوهشگر بر خود لازم می‌داند از اساتید راهنما و مشاوره رساله دکتری خود صمیمانه قدردانی نماید.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایشاری، مریم، طالبی، سحر (۱۳۹۰).
سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. دو فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۲ (۲)، صص ۳۴-۱. قابل بازیابی از:
http://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_239.html
- اسماعیل‌نیا، طاهره؛ فرامرزی، محبوبه؛ موسوی، شکوفه؛ شمسی، گلغام (۱۳۸۴). بررسی اقدام به خودکشی در زنان شهرستان بابل، فصلنامه دانشکده علوم پزشکی بابل، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۶۲-۵۸. قابل بازیابی از:
http://jbums.org/browse.php?a_code=A-10-1370-313&slc_lang=fa&sid=1
- بهروزیان، بهروز؛ حسونند، احسان (۱۳۹۵). بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج، دو فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۱۳، صص ۲۱۲-۱۸۷. قابل بازیابی از:
<http://social.um.ac.ir/index.php/societal/article/view/50821>

- حجازی، الهه، صالحی، کیوان (۱۳۸۶). عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی (از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶ شماره ۲۲، صص ۲۳۲-۲۱۹. قابل بازیابی از:
http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-1-396&slc_lang=fa&sid=1
- حسینی، حاتم؛ گراوند، مریم (۱۳۹۵). تبیین شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به الگوی همسرگزینی در شهر کوهدشت، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۷، شماره ۶۱، صص ۱۲۸-۱۱۳. قابل بازیابی از:
http://jas.ui.ac.ir/article_20484.html
- رضایی نسب، زهرا؛ شیخی، محمدتقی، جمیلی کهنه شهری، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی تجارب زیسته اقدام به خودکشی زنان شهر ایلام، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۸، شماره ۴، صص ۱۰۷-۸۲. قابل بازیابی از:
http://www.jsi-isa.ir/article_33889.html
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شایگان، فریبا؛ معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۹۸-۱۶۳. قابل بازیابی از:
http://www.jwss.ir/article_12031.html
- شیانی، ملیحه؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۵، صص ۳۷-۱۱. قابل بازیابی از:
http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-1-272&slc_lang=fa&sid=1
- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر سمت
- عنبری، موسی؛ احمدی، یعقوب؛ زاهدی، محمد جواد؛ حسونند، احسان (۱۳۹۷). تأثیر فرآیند نوسازی بر انتظام و امنیت اجتماعی در لرستان، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۲۲-۹۱. قابل بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_87683.html

- فتحی، منصور (۱۳۸۸). عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانواده، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۳۷، صص ۹۴-۷۳. قابل بازیابی از:

http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_code=A-10-1-313&slc_lang=fa&sid=1

- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). "مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن"، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷. قابل بازیابی از:

https://journals.ut.ac.ir/article_12321.html

- قادری؛ نوری، رویا؛ کریمی، جلیل (۱۳۹۶). سبب‌شناسی اعتیاد زنان، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۳۶۲-۱۳۹. قابل بازیابی از:

https://ijsp.ut.ac.ir/article_64137.html

- قاضی‌نژاد، مریم؛ عباسیان، ماریا (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۱۰-۷۷. قابل بازیابی از:

https://jwdp.ut.ac.ir/article_22988.html

- کفاشی، مجید؛ سرآبادانی، سمیه (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل شهر قم، دو فصلنامه جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۳، شماره ۵، ۱۲۵-۱۵۳. قابل بازیابی از:

https://csr.basu.ac.ir/article_1308.html

- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سهراب زاده، مهران؛ نوروزی، میلاد؛ عسکری کویری، اسما (۱۳۹۶). ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها، دو فصلنامه جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۲۴۹-۱۸۹. قابل بازیابی از:

https://sls.tabrizu.ac.ir/article_8585.html

- نصیری، معصومه (۱۳۸۱). کجروی جنسی، زمینه و علل شکل‌گیری آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۵: صص ۲۳۷-۲۲۰. قابل بازیابی از:

http://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=1831&sid=1&slc_lang=fa

- وجودی‌نیا، بابک؛ هاشمی، تورج؛ عبدل پور، قاسم؛ ماشینیچی عباسی، نعیمه (۱۳۹۴).
پیش‌بینی‌آی‌ده‌پردازی‌خودکشی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و سبک‌های هویت،
فصلنامه روان‌شناسی معاصر، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۷-۵۶. قابل بازیابی از:

bjcp.ir/article-1-763-fa.html

- Beck, c (2002). Multiples: a Meta-Synthesis of the Qualitative Research, MCN, The American Journal of Maternal/ Child Nursing, 27(4) 214-221. . Retrived at:
- https://journals.lww.com/mcnjournal/Abstract/2002/07000/A_Meta_Synthesis_of_Qualitative_Research.4.aspx
- Chenail, R & (2012). Conducting qualitative data analysis: Reading line-by-line, but analyzing by meaningful qualitative units, Journal of Qualitative Report, 17(1), 266-269.
- Hoover, Dwight (2009). The long ordeal of modernization theory, prospects,
- DOI: <https://doi.org/10.1017/S0361233300005469>
- Sandelowski, M & Barroso, J (2007). Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings, Journal of Res Nurs Health, 30(1), 99-111. . Retrived at:
- <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC2329806/>
- Walsh, D & Downs, S (2005). Meta-Synthesis of the Qualitative Research: a Literature Review, Journal of Nursing, 50(2), 204-211. . Retrived at
- <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/15788085>:
- Zimmer, L., 2006. Qualitative Meta-synthesis: a Question of Dialoguing With Texts. Journal of Advanced Nursing, 53(3). 311-318. . Retrived at
- doi.org/10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x

